

(مقاله پژوهشی)

واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی

غلامرضا تاج‌بخش^۱

چکیده

روابط فرازناشویی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده است که پیامدهای زاینبار فردی، خانوادگی و اجتماعی بسیاری دارد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازناشویی است. روش تحقیق به‌کارگرفته‌شده، کیو (Q) و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته هستند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند شامل ۴۰ نفر از صاحب‌نظران و فعالان حوزه آسیب‌های اجتماعی (روابط فرازناشویی) می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش منجر به استخراج ۴ عامل اصلی خیانت زناشویی: فرهنگی-اجتماعی (تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاهش پابندی نگرشی به ارزش‌های اخلاقی، همسرگزینی نامناسب و...)، روانشناختی (تجربه روابط جنسی پیش از ازدواج، ابتلا به اختلالات روانی، خلقی و شخصیتی، ضعف آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و زندگی و...)، اقتصادی (مشکلات مالی و معیشتی خانواده، کسب درآمد و مادی‌گرایی، بیکاری مرد) و خانوادگی (انتقام‌جویی از همسر، عدم پابندی به تعهدات زناشویی، یکنواختی در روابط زناشویی و...) شد. عدم درک، فهم و تفسیر لایه‌های عمقی این معضل پیچیده و چندبعدی و چاره‌اندیشی برای کاهش آن، منجر به ازهم‌گسیختگی بیشتر نهاد خانواده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

روابط فرازناشویی، آسیب اجتماعی، خانواده، روش Q

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج به‌عنوان یکی از رسمی‌ترین و کهن‌ترین قراردادهای تعهد متقابل بر پایه صمیمیت عاطفی و جنسی با فردی از جنس مخالف است که اساس شکل‌گیری نهاد خانواده را فراهم می‌سازد. زمانی که پایه‌های شکل‌گیری نهاد خانواده سست و لرزان باشد و یا اینکه صمیمیت و تعهد زوجین پس از مدتی خدشه‌دار شود، زمینه شکل‌گیری خیانت زناشویی فراهم می‌شود. در یک تعریف کلی می‌توان گفت خیانت زناشویی زمانی روی می‌دهد که هردو یا یکی از زوجین تعهدات زندگی مشترکشان را، از طریق برقراری ارتباط عاطفی، جنسی یا مجازی با فردی غیر از شریک زندگی‌شان زیر پا بگذارند (کرمی و همکاران ۱۳۹۴)؛ و فردی غیر از همسر را برای صمیمیت عاطفی یا جنسی خود انتخاب کند (رحمانی رستگار و قاسمی ۱۳۹۴). مادامی که معضل خیانت زناشویی در درون خانواده‌ها روی می‌دهد، روند طلاق و جدایی‌های عاطفی در محیط خانواده رو به افزایش می‌گذارد و در نتیجه جامعه نیز با تهدید جدی روبه‌رو می‌شود (رفاهی و همکاران ۱۳۹۱).

نابسامانی و ازهم‌گسیختگی نهاد خانوادگی را می‌توان به‌عنوان شکستن واحد خانوادگی ساخت نقش‌های اجتماعی به‌علت اهمال، قصور و ناتوانی یک یا چند عضو خانواده در اجرای وظایف نقش‌های اجتماعی خود تعریف کرد (کاملی ۱۳۸۶)؛ بنابراین روابط فرازناشویی یکی از انواع گسیختگی خانواده است که می‌تواند در چهارچوب جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی انحرافات و یا جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی تحلیل و بررسی شود. روابط فرازناشویی یک معضل اجتماعی است که زندگی افراد درگیر را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. خیانت زناشویی نه تنها سبب گسیختن پیوندهای زناشویی می‌شود، بلکه غالباً منجر به ازهم‌پاشیدگی و آسیب‌دیدگی روابط بین والدین و فرزندان نیز می‌گردد.

خیانت زناشویی به‌عنوان یک معضل اجتماعی پنهان جامعه ایران آسیبی چندبعدی است که پیامدهای آن نهاد خانواده، تربیت فرزندان، سلامت و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. اغلب آسیب‌شناسان، روانشناسان، جامعه‌شناسان، مشاوران خانواده و حتی خود خانواده‌ها از خیانت زناشویی به‌عنوان یک معضل اجتماعی روبه‌رشد یاد می‌کنند (روستایی و همکاران ۱۳۹۵) که عوامل آن برحسب شرایط فردی، اجتماعی و بین فردی متفاوت است (شرف‌الدین و صالحی‌زاده ۱۳۹۵). تحقیقات انجام‌شده در این زمینه بیانگر این مسئله است که خیانت زناشویی هم از نظر حقوقی نوعی جرم محسوب می‌شود، هم از لحاظ اجتماعی نوعی ناهنجاری است (رحمانی رستگار و قاسمی ۱۳۹۴). خیانت زناشویی امروزه به‌عنوان یک آسیب اجتماعی پنهان در جامعه ایران وجود دارد و به‌دلیل حساسیت زیاد، عدم دسترسی آسان به افراد و پیشینه مذهبی و عرفی که در جامعه حاکم است، در این زمینه تحقیقات اندک و ناکافی است و متأسفانه مراکز ذی‌ربط همین مقدار اطلاعات اندک و ناچیز احصاء‌شده پیرامون این معضل اجتماعی را نیز دقیق ارائه نمی‌کنند. این پدیده نیز مانند نرخ خودکشی در خط قرمز آمار پنهان کشور باقی مانده است. بر این مبنا عدم وجود آمار دقیق در کشور به‌منزله نبود این معضل اجتماعی نیست، بلکه بی‌توجهی به این آسیب اجتماعی پنهان را نشان می‌دهد.

لذا پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش اصلی است که از دیدگاه صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی، چه عواملی در شهرستان شیراز بر وقوع روابط فرازنشویی تأثیرگذار بوده و اولویت‌بندی این عوامل به چه صورت است؟ اهداف پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

- هدف ۱: شناسایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازنشویی
- هدف ۲: اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازنشویی
- هدف ۳: شناسایی سطوح مختلف عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازنشویی
- هدف ۴: اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس سطوح مختلف (اجتماعی، فرهنگی و...).

پیشینه تجربی پژوهش

ذال و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش بخشایش بر نگرش به خیانت و اعتماد در روابط بین فردی زنان زخم‌خورده از خیانت زنشویی اثربخش است. چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان فرض‌ها و معیارهای ایرانیان درباره ازدواج و روابط زنشویی عنوان می‌کنند که رابطه زنشویی به‌عنوان یک رابطه بسیار مهم، مقتدر و پرتعارض به تصویر کشیده شده است که در آن تعارضات مکرر و اجتناب‌ناپذیر و حل‌ناشدنی وجود دارد. یافته‌های پژوهش تاج‌بخش و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان تحلیل داده بنیاد فرآیند شکل‌گیری خیانت زنشویی نشان داد مواردی نظیر ضعف باورها و اعتقادات مذهبی، گرایش‌های لذت‌جویانه، رسانه‌های ارتباط جمعی، سن، نوع شغل، طول مدت ازدواج، تأثیر دوستان، زنان مطلقه و روابط قبل از ازدواج به‌عنوان زمینه‌های خیانت زنشویی محسوب می‌شوند. فلاحیان و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند که مؤلفه‌هایی همچون کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زنشویی در گرایش به روابط فرازنشویی تأثیرگذار هستند. نتایج پژوهش غفوریان و همکاران (۱۳۹۷) بیانگر آن است که عوامل مؤثر بر روابط فرازنشویی در چهار حیطه فردی-شخصیتی، خانوادگی-تربیتی، فرهنگی-اجتماعی و عوامل مذهبی اعتقادی قرار دارند. کمالی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان تجربه زیسته زنان از روابط فرازنشویی همسر با رویکرد کیفی پدیدارشناختی انجام دادند. در این پژوهش پنج درونمایه اصلی شناسایی و استخراج شدند که شامل: آشفتگی شدید جسمانی و روانی، احساسات ناخوشایند، اشتغال فکری مداوم با چرایی رخداد، نابسامانی در رابطه با همسر پیمان‌شکن و سوگ و حسرت بود.

فیروزجائیان و قدیری (۱۳۹۶) در مطالعه پدیدارشناسی دلایل بی‌وفایی زنشویی نشان دادند برآورده نشدن انتظارات و نیازها به‌همراه رشد ارزش‌های فردگرایی و ضعف مذهبی و اخلاقی در ورود زنان به روابط فرازنشویی نقش مهمی دارند. عزتی و کاکابرایی (۱۳۹۵) برای پیش‌بینی خیانت زنشویی براساس کیفیت زندگی زنشویی و پنج عامل بزرگ شخصیتی از بین افراد دارای تجربه خیانت زنشویی به این نتیجه رسیدند که بین ابعاد شخصیتی و کیفیت زندگی زنشویی با خیانت، هم در بین مردان و

هم در بین زنان، رابطه معناداری وجود دارد. شرفالدین و صالحی‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان زمینه‌های روابط فرازنشویی در ایران نشان می‌دهند که ارتباط عادی با جنس مخالف، ضعف عملکرد عوامل بازدارنده حقوقی و قانونی، ضعیف بودن زمینه‌های کنترل درونی همچون درونمایه‌های دینی و اخلاقی از جمله زمینه‌های تسهیل‌گر ارتباطات جنسی هستند. یافته‌های تحقیق عجم (۱۳۹۵) با عنوان تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره‌ای را در تعارضات زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی نشان داد بین زنانی که سریال‌های ماهواره‌ای تماشا می‌کردند و آنهایی که تماشا نمی‌کردند، تفاوت معناداری نسبت به نگرش به خیانت وجود داشت. روستایی و همکاران (۱۳۹۵) برای بررسی تأثیر رسانه‌های نوپدید (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) بر خیانت عاطفی زناشویی به‌روش کمی، پژوهشی را طراحی کردند و به این نتیجه رسیدند که استفاده از رسانه‌های نوپدید بر کاهش میل جنسی تأثیر زیادی دارد و در نتیجه خانواده‌هایی که ماهواره تماشا می‌کنند، رابطه عاطفی ضعیف‌تری دارند. یافته‌های پژوهش فینچام و می (۲۰۱۷) نشان داد که دسترسی به اینترنت و عضویت در شبکه‌های مجازی موجب افزایش احتمال روابط فرازنشویی می‌شود. فرون و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که وجود هرزه‌نگاری و شرکای اینترنتی منجر به کاهش رضایت زوجین با کاهش رضایت جنسی می‌شود. نوک و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در پژوهششان مبنی بر عدم جذابیت زوجین برای هم و نقش آن در خیانت زناشویی، به این نتیجه رسیدند که عشق و عدم جذابیت جنسی به‌عنوان پیش‌بینی‌کنندگان قوی برای خیانت زناشویی زوجین به‌شمار می‌روند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پیشینه‌های تجربی اشاره‌شده از یکسو به‌وضوح کمبود پژوهش‌ها را در این حوزه نشان می‌دهد و ازسوی دیگر پژوهش‌های انجام‌شده تنها تأکید بر برخی وجوه این پدیده داشته‌اند. از این‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی جامع‌نگر و روش‌شناسی نوینی، به بازاندیشی درخصوص علل این معضل اجتماعی بپردازد.

ادبیات نظری پژوهش

خیانت زناشویی از قدیم تاکنون در بین فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون رواج داشته‌است. خیانت به همسر که تقریباً امری جهانی است، ناشی از این است که فرد در روابط جنسی خود با همسرش احساس نارضایتی می‌کند. آنها خیانت را رابطه جنسی، عاطفی و یا ترکیبی از هر دو می‌دانند و معتقدند که خیانت عاطفی، حتی اگر منجر به رابطه جنسی نشود، به رابطه زناشویی آسیب می‌زند (درايگوتاس، و بارتا^۲ ۲۰۰۱؛ به‌نقل از مؤمنی و شعاع کاظمی^۳ ۱۳۹۰). امیلی براون^۳ (۱۹۹۱) به‌نقل از ویکس، و تریست^۴ (۲۰۰۱) یکی از مهم‌ترین و قدیم‌ترین انواع رابطه خارج از ازدواج را مطرح کرده‌است. براون ۵ نوع رابطه

1. Novak etal
2. Darigotas and Barta
3. Brown
4. And Trites Wicks

خیانت‌گونه زناشویی را شرح داده است:

- (۱). رابطه خیانت‌آمیز اجتناب از تعارض: در این نوع رابطه انرژی روانی ازدواج تحلیل رفته و در جای دیگر سرمایه‌گذاری می‌شود.
 - (۲). رابطه خیانت‌آمیز اجتناب از صمیمیت: بسیاری از زوجین تنها تحمل مقداری صمیمیت و نزدیکی را دارند و هنگامی که به همدیگر نزدیک‌تر می‌شوند، یکی از آن دو در جهت ایجاد فاصله، اقدامی انجام می‌دهد.
 - (۳). رابطه خیانت‌آمیز اعتیاد جنسی: در برخی مواقع یکی از همسران اعتیاد جنسی و یا اعتیاد عشقی دارد. این افراد برای جست‌وجوی تجربه جنسی اجبار دارند.
 - (۴). رابطه خیانت‌آمیز پوچی: این نوع شبیه رابطه خیانت‌آمیز اجتناب از صمیمیت است. رابطه خیانت‌آمیز فضای پوچ و خالی ازدواج را پر می‌کند و تعادل صمیمیت همسران مختل می‌شود.
 - (۵). رابطه خیانت‌آمیز بیرونی: در این نوع رابطه فرد تمایل به خاتمه ازدواج خود دارد، از این رو باید شریک فرازنشویی داشته باشند تا بتوانند ازدواج قبلی خود را فسخ کند (احمدی ۱۳۹۱).
- در برخی منابع علمی دیگر بی‌وفایی و خیانت را به سه دسته عمده همراه با طبقه‌بندی‌های فرعی تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از: خیانت‌های عاطفی، خیانت‌های جنسی و خیانت‌های مرکب. الف). خیانت‌های عاطفی: یکی از زوج‌ها به دلایل مختلف، مشکلات یا مسائل عاطفی فرد و خانواده را پیش از آنکه با همسرش مطرح کند، با فرد دیگری خارج از خانواده در میان می‌گذارد و از او حمایت عاطفی می‌جوید.
- ب). خیانت‌های جنسی: خیانت جنسی به معنای روابط جنسی مرد یا زنی متأهل با جنس مخالفی غریبه است. این نوع خیانت در همه فرهنگ‌ها و در تمام اعصار امری ناپسند تلقی شده است.
- ج). خیانت‌های مرکب: خیانت‌های مرکب شکل ترکیبی بی‌وفایی عاطفی و خیانت‌های جنسی هستند. اگر دو نوع خیانت دیگر (عاطفی و جنسی) را دو سر طیف بی‌وفایی و خیانت در نظر بگیریم، می‌توان خیانت ترکیبی را در این دیدگاه حدّ وسط منظور کرد (گلاس ۲۰۰۲؛ به نقل از درخشان ۱۳۹۴).
- خیانت به همسر دارای مراحل و شرایطی است که هر کدام زمینه‌ساز وقوع مرحله بعد می‌شوند و می‌توان آن را به چهار مرحله تقسیم کرد: مرحله اول: درگیری ذهنی، مرحله دوم: اقدام به ارتباط و آشنایی بیشتر، مرحله سوم: عمیق شدن روابط عاطفی و ایجاد ارتباط جنسی، مرحله چهارم: شدت ارتباط و مطلع شدن همسر (کاوه ۱۳۸۷).
- ویلیام تامس^۱ و فلورین زنائیکی معتقدند^۲ ارزش‌های جدید همچون ارضای لذت‌جویانه خواهش‌های نفسانی وارد نهاد خانواده شده که در تعارض با ارزش‌های کهن قرار دارد. افراد از یکسو تحت فشار

نگرش‌های جدید فردگرایانه قرار دارند و ازسوی دیگر مجبور و ملزم به پذیرش افکار اجتماعی طرفداران همبستگی خانوادگی هستند (بخارایی ۱۳۸۶). براساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز، می‌توان عوامل تأثیرگذار و زمینه‌ساز در گرایش به روابط خارج از چارچوب خانواده را در فقدان هریک از چهار کارکرد اصلی خانواده تبیین کرد:

۱. وقتی که کارکرد سازگاری یا انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجه شود: این مورد را می‌توان در زمینه هنجار نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش‌دار شود، نظام خانواده سست می‌شود و در نتیجه زوجین برای پرکردن خلأ عاطفی درون خانواده به روابط خارج از نظام خانواده روی می‌آورند.

۲. زمانی که کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست‌یابد: این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی و نیروهایش را برای نیل به اهداف تعیین‌شده بسیج کند، مواردی مانند نبود سلامت جسمی و روانی می‌تواند خانواده را از لحاظ رسیدن به اهداف مطلوب دور کند.

۳. وقتی که کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود: این مسئله زمانی بروز می‌یابد که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرایی خود را از دست می‌دهند.

۴. هنگامی که کارکرد فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگو و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای خانواده بازمی‌ماند. در این صورت زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و با به‌وجود آمدن کوچک‌ترین اختلافی آمادگی گسستن این پیوند را دارند (راب ۱۳۷۹).

نظریه کاشت جورج گرینر به‌عنوان یکی از پرکاربردترین نظریه‌های تأثیر رسانه‌های ارتباط جمعی بر این پیش‌فرض استوار است که رسانه‌ها اثر بلندمدت، غیرمستقیم، تدریجی، کوچک و در عین حال تراکمی، را بر نگرش‌های افراد می‌گذارند. شبکه‌های ماهواره‌ای در فیلم‌ها و سریال‌های خود، با کاشت نگرش‌ها، ارزش‌ها رفتارها و ادراک خود، تصاویری از زندگی به مخاطبان خود ارائه می‌دهند که می‌تواند الگوهای آنها از یک خانواده خوب و همسر ایدئال را به‌طور کلی دستخوش تغییر سازد و سبکی نو از زندگی را ارائه دهد که در آن زدودن تقوا، حیا، شرم، وفاداری، تعهد، حس مسئولیت، ایجاد حس رقابت جنسی و تفکر آزاداندیشی را در درجه اول اهمیت قرار دهد؛ بنابراین خیانت زن و شوهر به یکدیگر می‌تواند ره‌آورد اصلی این فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره‌ای باشد. این شبکه‌ها با کاشت ارزش‌های فرهنگی خاص خود، در نگره مخاطبان، تأثیرات مدّ نظر خود را در نگرش‌ها و رفتارهای آنها ایجاد کرده و سبک زندگی زناشویی مطلوب خود را شکل می‌دهند (مک‌کوئیل ۱۳۸۵). زیگمونت باومن در کتاب عشق سیال به بررسی رابطه انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. براساس نظر وی در دوران پیشامدرن هدف از رابطه جنسی تولید مثل بود و پیوند محکم و دائمی بین دو فرد وجود داشت، اما امروزه با رشد اقتصادی پساوردیسم و مصرفی شدن فرهنگ، عشق و رابطه جنسی نیز همانند کالاها، سیال و مصرفی شده‌اند. این امر موجب می‌شود

افراد به لحاظ جنسی و عاطفی تنوع طلب شوند، به گونه‌ای که افراد تازمانی که از رابطه عاشقانه و جنسی خود لذت ببرند، متعهد باقی خواهند ماند (باومن ۱۳۸۴). آنتونی گیدنز در کتاب "تغییر شکل صمیمیت" معتقد است که امروزه تغییراتی در جریان است، اما اهمیت هیچ‌یک از این تغییرات به اندازه تغییری که در زندگی شخصی، روابط جنسی و حیات عاطفی خانواده‌ها در جریان است، نیست. گیدنز در این کتاب از سه نوع رابطه نام می‌برد: رابطه ناب، عشق روان و تمایلات جنسی پلاستیکی. در رابطه ناب، خودافشاگری دو طرف و ستایش ویژگی‌ها و خصایل منحصر به فرد یکدیگر، عنصر کلیدی است. در عشق روان دو طرف رابطه ممکن است به طور اتفاقی و تصادفی خود را برای طرف مقابل افشا کنند. در تمایلات جنسی پلاستیکی به نوعی خودآگاهی ارتقا یافته، نسبت به پلاستیکی بودن (شکل پذیری) تمایلات جنسی و نوعی آزادی قرن بیستمی نسبت به هر نوع شیوه از قبل تعیین شده و ذاتی که نسبت به موجودیت جنسی وجود دارد اشاره می‌کند (صادقی فر و همکاران ۱۳۸۶). گلاسر در نظریه کنترل معتقد است، زوجها زندگی مشترکشان را با عشق شروع می‌کنند، ولی مشاهده می‌کنند که صمیمیت اولیه به تدریج رنگ می‌بازد و با گذشت زمان زندگی مشترک بسیاری از زوجها به جدایی کشیده می‌شود و مهمترین انگیزه زن و مرد متأهلی که به سوی روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه مجدد صمیمیت فردی و جنسی است، چیزی که دیگر آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند؛ بنابراین جذابیت روابط نامشروع به این دلیل اساسی است که هیچ‌کدام از طرفین، عیب‌جویی، سرزنش، شکوه و تهدید نمی‌کنند. حال آنکه اگر در روابط زوجین سرزنش‌ها و دیگر عادات مخرب نباشد، این گونه روابط اصلاً از ابتدا شروع نمی‌شوند. مشکل اصلی زوجین رفتارهای مبنی بر کنترل‌گری است، که نه تنها باعث می‌شود آنها نتوانند نیاز به عشق و تعلق خاطرشان را تأمین کنند، بلکه در ارضاء سایر نیازها نیز دچار مشکل می‌شوند (گلاسر ۱۳۸۹). کلی و تایبات معتقدند الگوی مبادله اجتماعی بر این واقعیت تمرکز دارد که افراد درگیر روابطی می‌شوند که رضایتمندی آنها از آن روابط بالا باشد؛ بنابراین افراد هزینه‌ها (نارضایتی عاطفی و جنسی) و منافع یک رابطه خاص را ارزیابی کرده و رفتارهایشان (خیانت زناشویی) تحت تأثیر این ارزیابی قرار می‌گیرد. این رویکرد بر این مبناست که نزدیکی و صمیمیت کلید تمامی روابط است (اسکیدمور ۱۳۷۲). براساس تئوری سرمایه‌گذاری رضایتمندی و تعهد دو بعد تعاملی در روابط هستند. رضایتمندی به تأمین و برآورده شدن نیازهای عاطفی در زندگی مشترک از سوی طرف مقابل اشاره دارد و تعهد نیز به معنی تمایل زوجین به ماندن در یک رابطه و سطح وابستگی آن رابطه اشاره دارد. این نظریه تمایل به ماندن و ترک کردن یک رابطه را به میزان سرمایه‌گذاری طرفین (وقت، انرژی، وابستگی به خانواده و...) در رابطه می‌داند. به طوری که هرچه سرمایه‌گذاری طرفین در رابطه بیشتر باشد، تمایل به ترک رابطه نیز کمتر است و همچنین در صورتی که زوجین انتخاب‌های کمتری در بیرون از ازدواج داشته باشند، تمایل و تعهد بیشتری نسبت به رابطه فعلی‌شان خواهند داشت (زوبولت ۱۹۸۳). ریچارد و ریبستین^۱ از سه مدل ازدواج که ممکن است به خیانت زناشویی منجر شود

صحبت می‌کنند که عبارت‌اند از: مدل جداسازی، مدل ازدواج آزاد و مدل ازدواج برای همه‌چیز. در مدل جداسازی: زوجین بخش‌های مختلف زندگی را از هم تفکیک کرده یا به‌عبارتی بین بخش‌های زندگی زناشویی یا روابط دیگر نوعی جدایی قائلند؛ به‌نحوی که این افراد معتقدند داشتن رابطه خارج از ازدواج تأثیری بر زندگی زناشویی آنها ندارد و با پنهان نگاه‌داشتن آن می‌کوشند رابطه فعلی و اصلیشان را حفظ کنند (ریچارد و ریستین ۱۹۹۳). در مدل ازدواج آزاد: هر دو یا یکی از زوجین داشتن حدی از آزادی و استقلال فردی را لازم می‌دانند و اگر چیزی این آزادی را خدشه‌دار کند، ضمن اینکه صمیمیت ازدواج را کاهش می‌دهد، منجر به برقراری ارتباط خارج از ازدواج نیز می‌شود (همان ۷۵-۷۹) و درنهایت در مدل ازدواج برای همه‌چیز، ازدواج باید تمامی ابعاد و کارکردهای زندگی مشترک نظیر روابط جنسی، عاطفی و صمیمیت را شامل شود و در صورتی که یکی از آنها برآورده نشود، فرد جهت تأمین نیازهای ارضانگشته زناشویی خود به روابط بیرون از ازدواج روی می‌آورد (همان ۷۵).

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری روابط فرازناشویی است، بر این مبنا از روش تحقیق کیو (Q) استفاده شده است. ابتدا محقق با استفاده از روش مطالعه اسنادی و پژوهش‌های انجام‌شده قبلی، تعداد ۷۴ عامل احتمالی وقوع خیانت زناشویی را شناسایی کرد؛ سپس فهرست این عوامل در اختیار تعدادی از داوران، مشتمل بر مدیران، صاحب‌نظران و متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی (خیانت زناشویی)، قرار گرفت. ماحصل نظرات آنها در قالب یک پرسشنامه در اختیار تعدادی از افراد نمونه قرار داده شد تا ابهامات آن رفع شود. پس از اخذ نظرات آنها پرسشنامه نهایی، تدوین و در اختیار نمونه گذاشته شد. درنهایت این پرسشنامه، ۶۰ عامل شکل‌گیری روابط فرازناشویی را دربرگرفت. عوامل شکل‌گیری روابط فرازناشویی در این پرسشنامه عبارت‌اند از: عوامل اجتماعی-فرهنگی (۲۲ گویه)، عوامل روانشناختی (۱۸ گویه)، عوامل اقتصادی (۶ گویه) و عوامل خانوادگی (۱۴ گویه). شایان ذکر است در این پژوهش جهت ارزیابی گویه‌های پرسشنامه، از مقیاس لیکرت با پیوستار ۷ درجه‌ای استفاده شده است. برای دستیابی به پایایی پرسشنامه از روش آزمون و آزمون مجدد استفاده شد. ضریب همبستگی به‌دست‌آمده، عدد ۷۸ درصد را نشان می‌دهد که نشانگر سطح بالایی از پایایی است.

برای انتخاب پاسخ‌دهندگان، ابتدا ۵۳ نفر از متخصصان، فعالان و صاحب‌نظران حوزه آسیب‌های اجتماعی شهرستان شناسایی شدند؛ سپس با توجه به شاخصه‌هایی چون: انجام پژوهش، چاپ کتاب و نگارش مقاله مرتبط و مدیریت و تجربه کاری در حوزه مد نظر؛ ارائه مشاوره‌های بالینی و خانوادگی، تعداد ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند برای پاسخگویی به گویه‌ها انتخاب شدند. در پژوهش حاضر، جهت پردازش داده‌ها از آمار توصیفی (محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و آمار استنباطی (آزمون دلبیوکندال) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش

درصد	فراوانی	متغیر	
۶۵٪	۲۶	مرد	جنسیت
۳۵٪	۱۴	زن	
۱۵٪	۶	کارشناسی	تحصیلات
۳۵٪	۱۴	کارشناسی ارشد	
۳۷٪/۵	۱۵	دکتری	
۱۲٪/۵	۵	تحصیلات حوزوی	
۲۵٪	۱۰	مدرس دانشگاه	شغل
۱۲٪/۵	۵	قاضی	
۱۰٪	۴	کارشناسان اورژانس اجتماعی	
۲۲٪/۵	۹	مشاور خانواده	
۱۵٪	۶	کارشناسان شورای حل اختلاف	
۵٪	۲	مددکار اجتماعی	
۱۰٪	۴	وکیل	
۱۰۰٪	۴۰	جمع کل	

۶۵ درصد صاحب‌نظران مرد و ۳۵ درصد صاحب‌نظران زن هستند. ۱۵ درصد از آنها مدرک کارشناسی، ۳۵ درصد کارشناسی ارشد و ۳۷/۵ درصد دکترا و ۱۲/۵ درصد تحصیلات حوزوی دارند. ۲۵ درصد از صاحب‌نظران مدرس دانشگاه (رشته‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی)، ۱۲/۵ درصد قاضی، ۱۰ درصد کارشناس شورای حل اختلاف، ۱۵ درصد کارشناس اورژانس اجتماعی، ۲۲/۵ درصد مشاور خانواده، ۵ درصد مددکار اجتماعی و ۱۰ درصد وکیل هستند.

جدول ۲. نتیجه آزمون دلبیو کندال؛ رتبه‌بندی عوامل شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس میانگین

ردیف	عوامل شکل‌گیری روابط فرازنشویی	میانگین رتبه‌ها
۱	تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی	۴۸/۱۰
۲	تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج	۴۲/۰۶
۳	کاهش پایبندی نگرشی به ارزش‌های اخلاقی	۴۱/۸۴
۴	کاهش پایبندی عملی به ارزش‌های اخلاقی	۴۰/۷۳
۵	تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای	۴۰/۱۹
۶	انتقام‌جویی از همسر	۳۸/۹۹
۷	عدم پایبندی به تعهدات زناشویی	۳۸/۸۶

۳۸/۶۳	نارضایتی عاطفی	۸
۳۸/۴۱	دوستی‌های پرخطر	۹
۳۸/۱۱	همسرگزینی نامناسب	۱۰
۳۷/۹۰	عدم حضور فیزیکی همسر در منزل	۱۱
۳۷/۲۳	ابتلا به اختلالات روانی، خلقی و شخصیتی	۱۲
۳۷/۱۸	سردمزاجی جنسی	۱۳
۳۶/۳۱	نداشتن یا کوتاه بودن دوران آشنایی و نامزدی	۱۴
۳۶/۰۳	کمبود هیجان در زندگی و نیاز به هیجان‌خواهی	۱۵
۳۵/۶۰	ناآگاهی و کمبود مهارت‌های جنسی	۱۶
۳۵/۵۸	عدم توانایی جنسی	۱۷
۳۴/۶۴	تنوع‌گرایی جنسی	۱۸
۳۴/۶۱	تجربه‌جویی و کنجکاوی جنسی	۱۹
۳۳/۷۴	وجود خشونت‌های گفتاری و رفتاری همسر	۲۰
۳۳/۴۶	کسب درآمد و مادی‌گرایی	۲۱
۳۳/۲۹	محیط نامناسب محل زندگی و وجود اغواگران	۲۲
۳۲/۷۶	قصور نهادهای مختلف جامعه در استحکام نهاد خانواده	۲۳
۳۲/۷۶	تجربه امکانات رفاهی	۲۴
۳۲/۷۳	عادی بودن موضوع روابط فرازنشویی	۲۵
۳۲/۴۰	یکنواختی در روابط زناشویی	۲۶
۳۲/۰۸	عدم درک متقابل زوجین	۲۷
۳۱/۴۱	اعتیاد همسر به مواد مخدر و روانگردان	۲۸
۳۱/۲۴	عدم اعتقاد به عشق حقیقی در زندگی	۲۹
۳۰/۹۸	عدم حمایت‌های اجتماعی	۳۰
۳۰/۱۵	ابتلا به بیماری جسمی مزمن همسر	۳۱
۳۰/۰۳	رهایی از قید حیات ناچور	۳۲
۲۹/۳۹	اعتقاد به آزادی انسان	۳۳
۲۹/۳۸	ازدواج تحمیلی	۳۴
۲۹/۳۶	محیط شغلی با همکاران غیر همجنس	۳۵
۲۸/۲۸	ضعف آموزش‌های مهارت‌های زندگی	۳۶
۲۸/۱۸	عدم اطلاع از آسیب‌های ناشی از روابط فرازنشویی	۳۷
۲۷/۶۰	عزت نفس پایین	۳۸
۲۷/۴۵	فاصله سنی زوجین	۳۹
۲۶/۷۸	عدم جذابیت همسر	۴۰
۲۶/۶۱	عدم بلوغ عاطفی و فکری	۴۱
۲۶/۶۱	تنوع‌گرایی عاطفی	۴۲
۲۶/۵۶	فردگرایی افراطی	۴۳

۲۶/۳۶	اثبات زنانگی و مردانگی	۴۴
۲۵/۹۴	خساست همسر	۴۵
۲۵/۴۸	سوءظن و بدبینی	۴۶
۲۴/۴۰	بیکاری همسر	۴۷
۲۴/۲۱	عدم برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های اوقات فراغت	۴۸
۲۳/۸۹	نبود آموزش کافی پیش از ازدواج	۴۹
۲۳/۳۶	تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی	۵۰
۲۲/۵۰	داشتن محیط متشنج در دوران کودکی	۵۱
۲۲/۳۸	کم‌رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی	۵۲
۲۲/۳۸	وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه	۵۳
۲۲/۱۰	تفریح و سرگرمی	۵۴
۲۱/۵۰	عاشق شدن	۵۵
۱۹/۱۳	پیشینه خیانت زنشویی در خانواده و آشنایان	۵۶
۱۸/۸۱	اثبات جذابیت	۵۷
۱۸/۶۴	طول مدت ازدواج	۵۸
۱۸/۴۴	محکومیت قضایی همسر	۵۹
۱۶/۳۴	فقدان عوامل بازدارنده حقوقی و قانونی	۶۰

جدول شماره ۲) رتبه‌بندی عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس میانگین آنها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از دید متخصصان عرصه آسیب‌های اجتماعی، اولین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری روابط فرازنشویی، عامل شبکه‌های اجتماعی مجازی (واتس‌آپ، اینستاگرام و ...) با میانگین ۴۸/۱۰ درصد است. عامل تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج با میانگین ۴۲/۰۶ و عامل کاهش پایبندی به ارزش‌های اخلاقی با میانگین ۴۱/۸۴ پس از آن در درجه دوم و سوم اهمیت قرار می‌گیرند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر این کارشناسان، عامل طول مدت ازدواج (با میانگین ۱۸/۶۴)، عامل محکومیت قضایی همسر (با میانگین ۱۸/۴۴) و عامل فقدان عوامل بازدارنده حقوقی و قانونی (با میانگین ۱۶/۳۴) به ترتیب پایین‌ترین درصد از عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی در شهرستان شیراز را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. تفاوت میانگین رتبه ارزیابی در تمامی سطوح عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی

مقادیر	آماره
۰/۱۶۳	آزمون کندال
۴۰۷/۸۲۴	کای اسکوئر
۵۹	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

جدول شماره ۳) آزمون دلیو کندال جهت بررسی تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود با توجه به مقدار آزمون

کای اسکوتر (۴۰۷/۸۲۴)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین رتبه ارزیابی متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی، از عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی در شهرستان شیراز متفاوت است که با توجه به سطح معناداری آزمون ($P < 0/05$) می‌توان چنین تفسیر کرد که این تفاوت ۹۹ درصد معنادار است. مقدار آزمون کندال (۰/۱۶۳) نیز بیانگر میزان توافق ۱۷/۱ درصدی بین صاحب‌نظران است.

جدول ۴. رتبه‌بندی عوامل چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس میانگین آنها

میانگین رتبه‌ای	عوامل فرازنشویی
۳/۷۰	عوامل اجتماعی فرهنگی
۳/۲۰	عوامل روان شناختی
۲/۱۰	عوامل اقتصادی
۱	عوامل خانوادگی

با توجه به نتایج جدول (۴) مشخص می‌شود عوامل اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۳/۷۰ بیشترین تأثیرگذاری را در ارتباط با وقوع پدیده روابط فرازنشویی داشته‌اند. درمقابل عوامل خانوادگی با میانگین ۱ کمترین تأثیرگذاری را داشته‌اند. عوامل روانشناختی با میانگین ۳۰/۲ و عوامل اقتصادی با میانگین ۲۰/۱ علل دیگر گرایش به روابط فرازنشویی در شهرستان شیراز را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵. تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی

مقادیر	آماره
۰/۹۵۱	آزمون کندال
۱۱۵/۳۱۰	کای اسکوتر
۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

جدول شماره (۵) آزمون دلیو کندال جهت بررسی تفاوت میانگین رتبه ارزیابی عوامل شکل‌گیری پدیده روابط فرازنشویی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود با توجه به مقدار آزمون کای اسکوتر (۱۱۵/۳۱۰)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین رتبه ارزیابی متخصصان از عوامل وقوع روابط فرازنشویی در شهرستان شیراز متفاوت است و با توجه به سطح معناداری آزمون ($P < 0/05$) می‌توان چنین استنباط کرد که این تفاوت ۹۹ درصد معنادار است. مقدار آزمون کندال (۰/۹۵۱) نیز بیانگر میزان توافق ۹/۶۱ درصدی بین صاحب‌نظران است.

رتبه‌بندی زیرمقیاس‌های عوامل چهارگانه با بیشترین میزان تأثیرگذاری

جدول ۶. رتبه‌بندی مؤثرترین زیرمقیاس‌های عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس میانگین آنها

ردیف	عوامل	مؤثرترین زیرمقیاس‌ها	مقادیر
۱	فرهنگی اجتماعی	تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی (واتساپ، اینستاگرام و...)	۹/۲۵
		کاهش پایبندی نگرشی به ارزش‌های مذهبی	۷/۷۰
		همسرگزینی نامناسب	۷/۶۶
۲	روانشناختی	تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج	۱۶/۰۱
		ابتلا به اختلالات روانی، خلقی و شخصیتی	۱۵/۵۶
		ضعف آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و زندگی	۱۴/۹۱
۳	اقتصادی	مشکلات مالی و معیشتی خانواده	۱۴/۸۹
		کسب درآمد و مادی‌گرایی	۱۲/۶۴
		بیکاری مرد	۱۱/۹۱
۴	خانوادگی	انتقام‌جویی از همسر	۴/۵۵
		عدم پایبندی به تعهدات زنشویی	۴/۲۰
		یکنواختی در روابط زنشویی	۴/۱۵

جدول شماره (۶) رتبه‌بندی مؤثرترین زیرمقیاس‌های عوامل چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی براساس میانگین آنها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از منظر صاحب‌نظران حوزه آسیب‌های اجتماعی، مؤثرترین عوامل اجتماعی-فرهنگی در شکل‌گیری روابط فرازنشویی، به ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی (واتساپ، اینستاگرام و...)، کاهش پایبندی به ارزش‌های مذهبی و همسرگزینی نامناسب. مؤثرترین عوامل روانشناختی در وقوع خیانت زنشویی به ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج، ابتلا به اختلالات روانی، خلقی و شخصیتی و ضعف آموزش مهارت‌های ارتباطی و زندگی. مؤثرترین عوامل اقتصادی در وقوع خیانت زنشویی به ترتیب و براساس میانگین عبارت‌اند از: مشکلات مالی و معیشتی خانواده، کسب درآمد و مادی‌گرایی و بیکاری مرد. مؤثرترین عوامل خانوادگی در وقوع خیانت زنشویی به ترتیب و براساس میانگین عبارت‌اند از: انتقام‌جویی از همسر، عدم پایبندی به تعهدات زنشویی و یکنواختی در روابط زنشویی.

رتبه‌بندی زیرمقیاس‌های عوامل چهارگانه با کمترین میزان تأثیرگذاری

جدول (۷) رتبه‌بندی زیرمقیاس‌های عوامل چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی

مقادیر	مؤثرترین زیرمقیاس‌ها	عوامل	ردیف
۵/۲۰	اعتیاد همسر به مواد مخدر و روانگردان	فرهنگی اجتماعی	۱
۶/۳۱	محیط نامناسب محل زندگی و وجود اغواگران		
۶/۲۵	محیط شغلی با همکاران غیر همجنس		
۶/۱۰	عدم بلوغ عاطفی و فکری	روانشناختی	۲
۷/۱۱	تنوع‌طلبی عاطفی		
۸/۴۰	عزت نفس پایین		
۵/۹۶	خساست همسر	اقتصادی	۳
۶/۳۴	وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه		
۶/۹۵	ندادن خرجی یا نفقه		
۲/۲۳	داشتن محیط متشنج در دوران کودکی	خانوادگی	۴
۲/۸۵	طول مدت ازدواج		
۳/۰۳	پیشینه خیانت زنشویی در خانواده و آشنایان		

جدول شماره (۷) رتبه‌بندی زیرمقیاس‌های عوامل چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری روابط فرازنشویی با کمترین میزان تأثیرگذاری براساس میانگین آنها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود از دید صاحب‌نظران، کم‌اثرترین عوامل اجتماعی-فرهنگی در وقوع خیانت زنشویی به‌ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: اعتیاد همسر به مواد مخدر و روانگردان، محیط نامناسب محل زندگی و وجود اغواگران و محیط شغلی با همکاران غیر همجنس. کم‌اثرترین عوامل روانشناختی در وقوع خیانت زنشویی به‌ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: عدم بلوغ عاطفی و فکری، تنوع‌گرایی عاطفی و عزت نفس پایین. کم‌اثرترین عوامل اقتصادی در وقوع خیانت زنشویی به‌ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: خساست همسر، وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه و ندادن خرجی یا نفقه. کم‌اثرترین عوامل خانوادگی در وقوع خیانت زنشویی به‌ترتیب و براساس میانگین آنها عبارت‌اند از: داشتن محیط متشنج در دوران کودکی، طول مدت ازدواج و پیشینه خیانت زنشویی در خانواده و آشنایان.

بحث و نتیجه‌گیری

در پیدایش معضل روابط فرازنشویی، عوامل شناخته و ناشناخته‌ای دست به دست هم داده و موجب ازهم‌گسیختگی و انحلال خانواده و بالارفتن نرخ طلاق در جامعه، خصوصاً در شهرهای بزرگ، شده‌اند. این پدیده از طرف متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی به گونه‌های متفاوتی تحلیل و تبیین شده است. از این رو در این پژوهش با پرداختن به موضوع از ابعاد مختلف فرهنگی - اجتماعی، روانشناختی،

اقتصادی و خانوادگی، سعی در شناسایی و اولویت‌بندی این عوامل با هدف چاره‌جویی فعالان این حوزه شده است.

باتوجه به یافته‌های پژوهش از دلایلی که کارشناسان برای خیانت زنشویی عنوان کرده‌اند، می‌توان به: ضعف عاطفی، مشکلات رفتاری و نارضایتی جنسی از رابطه زنشویی اشاره کرد. به اعتقاد آنها نارضایتی یا رضایت ضعیف از زندگی زنشویی در هریک از این ابعاد سه‌گانه دلیلی برای خیانت زنشویی‌شان بوده است. در همین زمینه ریچارد و ریبستین (۱۹۹۳) در مدل ازدواج، فوکس ایبوک (۱۹۸۸) در نظریه فرایند خروج از نقش و الیزابت بک، و گرنشپایم (۱۹۹۵) در کتاب آشوبگاه طبیعی عشق، به نقش نارضایتی‌های زوجین در تمامی ابعاد زندگی که شامل عاطفی و جنسی و رفتاری است، اشاره کرده‌اند. براساس نظریات آنها زمانی که فرد در یکی از ابعاد زندگی زنشویی دچار نارضایتی شود، به‌دنبال جایگزینی برای رابطه خود می‌گردد تا بتواند نیازهای خود را برطرف کند. در تأیید این بخش می‌توان به یافته‌های حاصل از پژوهش‌های شرلی گلاس و توماس‌رایت (۱۹۹۵)، نواک و همکاران (۲۰۱۴) و رایان (۱۹۸۱) درباره جنبه‌های نارضایتی عاطفی و جنسی رابطه و پژوهش‌های دریگوتاس، سافاستورم و جنتلیا (۱۹۹۹)، استنز و هامونز (۲۰۰۸) درباره جنبه‌های رفتاری اشاره کرد.

مطابق با یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده، مشکلات مالی و معیشتی در گرایش به روابط فرازنشویی اثرگذار است. مباحث معیشتی از نیازهای اولیه افراد جامعه است که عدم تأمین آن تأثیر بسزایی بر وقوع پدیده روابط فرازنشویی و ازهم‌پاشیدن خانواده دارد. همان‌طور که صاحب‌نظران مکتب کارکردگرایی نیز بر این موضوع تأکید دارند، تأمین نیازهای اولیه برای بقای خانواده الزامی است. همچنین براساس نظریه کانگر (مشکلات اقتصادی) محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش می‌دهد و آنها را به سوی روابط فرازنشویی و طلاق سوق می‌دهد. بدیهی است که مشکلات اقتصادی آسیب‌های جدی بر پیکره اجتماع انسانی به‌ویژه بر کوچک‌ترین جزء این اجتماع (خانواده) وارد می‌کند.

از منظر کارشناسان و متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی نگرش‌ها و گرایش‌های لذت‌جویانه نظیر تنوع‌طلبی و نگرش‌های اخلاقی نسبت در شکل‌گیری این روابط مؤثرند. همان‌گونه که کاپلن و رلکس در نظریه کنترل شخصی نیز به آن اشاره کرده‌اند. براساس نظریه آنها می‌توان گفت یکی از تسهیل‌گران در این زمینه فشارهای ناشی از ضعف کنترل‌کننده‌های درونی است، که فرد را در ارتکاب به خیانت زنشویی سوق می‌دهد. براساس یافته‌ها تنوع‌طلبی در بین زوجین و همچنین نگرش‌های اخلاقی نظیر عدم احساس عذاب وجدان و یا توجیه احساس گناه به‌عنوان زمینه‌های تسهیل‌کننده خیانت زنشویی عنوان شده است. جانسون (۱۹۷۲)، بارتا و کینه (۲۰۰۵)، شاکلفرد، بسر و گودز (۲۰۰۸) در پژوهش‌های خود نقش نگرش‌ها و گرایش‌های لذت‌جویانه درباره خیانت زنشویی را تأیید کردند. از کمرنگ شدن باورها و اعتقادات مذهبی نیز به‌عنوان یکی از تسهیل‌گران این زمینه و تهدیدکنندگان ثبات نظام خانوادگی یاد شده است. در پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۰۲)،

نشاد دوست و همکاران، ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) بخشوده و احسان (۱۳۹۰) و اتکینز و همکاران (۲۰۰۱) باورها و اعتقادات مذهبی ضعیف از عوامل گرایش به خیانت زناشویی گزارش شده‌اند.

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل فروپاشی بنیان خانواده، عدم پایبندی به تعهدات زناشویی و بی‌توجهی به مسائل اخلاقی است که در این پژوهش صاحب‌نظران، به‌عنوان موضوعی مهم که تأثیر زیادی بر گرایش به روابط فرازناشویی دارد، بر آن تأکید کرده‌اند. خانواده کوچک‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین پایه و اساس جامعه است و نبودن انسجام در آن موجب فروپاشی جامعه می‌شود. مهم‌ترین دلیل ازدواج زن و مرد رسیدن به آرامش است که با ازبین‌رفتن اعتماد دیگر آرامشی باقی نمی‌ماند. براساس نظریه مبادله اجتماعی، انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران در ارتباط متقابل هستند و می‌کوشند که در این ارتباط، برای خود نفعی به‌دست آورند. طبق اصل عدالت، تعامل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین برابر باشد. درواقع، فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که از آن به‌دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به‌دست آورده، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین، منجر به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله و درنهایت، منجر به گسست روابط متقابل زوجین می‌شود.

جهت درک بهتر این موضوع که چرا برخی افراد گرایش به روابط فرازناشویی دارند می‌توان از تئوری کنش عقلانی آیزن و فیش باین استفاده کرد. هدف این نظریه، درک، توضیح، پیش‌بینی و نفوذ رفتار انسانی است. بر این اساس متغیرهایی همچون اعتقادات، نگرش‌ها، باورهای هنجاری، هنجارهای ذهنی و اهداف در زمینه پیش‌بینی و شناخت علل زمینه‌ساز روابط فرازناشویی کاربرد دارند و روابط فرازناشویی در پی یک زنجیره عوامل رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال قصد انجام رابطه فرازناشویی و نگرش فردی نسبت به آن، می‌تواند آمادگی جهت اجرای آن را به‌گونه‌ای خاص ایجاد کند و یا اینکه مطابق متغیر هنجارهای ذهنی، افراد تحت تأثیر دوستان و... قرار بگیرند و در اثر نفوذ آنها به این رفتار انحرافی گرایش یابند.

موضوع دیگری که از دیدگاه صاحب‌نظران خیلی حائز اهمیت است و تأثیر زیادی بر افزایش روابط فرازناشویی در جامعه دارد، عدم اطلاع از آسیب‌های ناشی از آن است. زمانی که در یک جامعه بحران ارزش‌ها وجود داشته باشد، مشکلاتی پیش می‌آید که نتیجه نوگرایی و تضاد بین نسل‌هاست. در هنگامه بحران ارزش‌ها، ارزش‌های اساسی یک جامعه بر لذت‌طلبی، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها صرفاً به تمتع می‌اندیشند و مصالح خویش را در نظر می‌آورند (ساروخانی ۱۳۷۶) و حتی ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر می‌پذیرند. رابطه انسان‌ها از بُعد معنوی تهی می‌شود و صرفاً در پی التذاذ آنی است. این نوع روابط، بسیار سست و آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به‌محض آنکه مصلحت دیگری روی نماید یا بر اثر مرور زمان یا عوامل دیگر، رابطه‌ها از درون تهی شده و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند، در این شرایط روابط زوجین نیز از این

قاعده مستثنی نبوده، آمار خیانت زناشویی روزبه‌روز افزایش خواهد یافت.

تأثیر شبکه‌های مجازی (واتس‌اپ، اینستاگرام و...) و شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های پورن؛ در حال حاضر با توجه به پیشرفت‌های فناوری، شبکه‌های مجازی اجتماعی و اینترنت و دسترسی آسان به آنها یکی از عوامل مؤثر در آسیب اجتماعی خیانت زناشویی است. نظریه پردازان دیدگاه نوسازی (غرب‌گرایی) بر این باورند که کشورهای در جریان فرآیند نوسازی دچار تغییرات فرهنگی می‌شوند که متأثر از گذار از نظم سنتی است. در فرآیند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماع سنتی به وجود می‌آید. این شرایط می‌تواند مخل نظم اجتماعی و تضعیف‌کننده وجود ضروری حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه برای هر جامعه باشد. هم‌زمان با این تحولات نوعی گذار و نابسامانی در نهاد خانواده صورت می‌گیرد. در نتیجه، فضای فرهنگی از خانواده‌محوری به سوی فردمحوری، و ازدواج، از حالت نهادمحور به رابطه‌محور تغییر می‌کند و خانواده در تغییرات ساختاری و فرهنگی و در گذر جامعه از نظم سنتی به نظم مدرن دچار تغییرات چشمگیری می‌شود. در این مسیر ناهماهنگی و عدم سازگاری فرد و نظام‌های اجتماعی با شرایط در حال تغییر، زمینه‌ساز مسائل اجتماعی متعددی در حیطه نهاد خانواده می‌شود. در همین راستا، خیانت زناشویی به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و نتایج مترتب بر آن، قابل تأمل و بررسی است.

از دیدگاه صاحب‌نظران کم‌کاری مسئولین فرهنگی و رسانه‌های گروهی همچون صداوسیما نیز نقش بسزایی در وقوع پدیده روابط فرازنشویی دارد. در فیلم‌ها و سریال‌های تولیدشده صداوسیما، دست‌اندرکاران تولید و پخش، به‌دلیل ملاحظات فرهنگی از نمایاندن برخی از واقعیت‌های اجتماعی خودداری می‌کنند و این واقعیت را منعکس نمی‌کنند که کجروی در زمینه پایبندی به زندگی زناشویی خاص مردان نیست و احتمال کجروی زنان هم به‌اندازه مردان در این زمینه وجود دارد. بیشتر موضوعات به‌نمایش درآمده در فیلم‌ها و سریال‌ها در زمینه کجروی مردان است، آن هم تنها محدود به ازدواج مجدد و بعضاً ازدواج موقت. این رویکرد این فهم از واقعیت را در ذهن مخاطب پرورش می‌دهد که کجروی در این حوزه خاص مردان است و زنان از این مسئله به‌دور هستند و یک تصور ذهنی غیرواقعی در ذهن جامعه از زنان به‌دست می‌دهد، درحالی‌که فیلم‌ها و سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان خارج از کشور، کجروی زنان را به‌صورت اغراق‌شده نشان می‌دهند و این ناهماهنگی موجب می‌شود که برخی از زنانی که آموزش کافی برای این روزها ندیده‌اند، در باورهای خود نسبت به یک زن ایدئال، تغییراتی ایجاد کنند و راهی را در زندگی مشترک پیشه کنند که آسیب‌های جدی به خود و روابط زناشویی‌شان وارد کند.

و درنهایت براساس یافته‌های پژوهش، تجربه روابط قبل از ازدواج به‌عنوان یکی دیگر از تسهیل‌گران شکل‌گیری روابط فرازنشویی عنوان شده، به‌نحوی که تأثیر این تجارب پیش از ازدواج به روابط پس از ازدواج نیز تسری می‌یابد. در این زمینه رایب و همکاران (۲۰۰۰)، فورس و تنفر (۱۹۹۶)، جاویدنیا و همکاران و علی‌تبار و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش‌های خود به نتایجی همسو با یافته پژوهش حاضر

دست یافتند.

جمع‌بندی کلی از یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه فرازنشویی یکی از پدیده‌های آسیب‌زاست که در پی زنجیره عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و روانشناختی روی می‌دهد. زنگ خطر این معضل اجتماعی برای امنیت و سلامت افراد، خانواده و جامعه به‌صدا درآمده است و در صورت عدم شناسایی دقیق عوامل زمینه‌ساز و عدم برنامه‌ریزی هوشمندانه برای پیشگیری و کاهش آن می‌تواند نظم و ثبات خانواده را به چالش جدی کشیده، منجر به انحلال زندگی زناشویی شود. با توجه به مدل نظری کنش عقلانی و از آنجا که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی نقش مهمی در شکل‌دهی و هدایت رفتار انسان‌ها ایفا می‌کنند؛ بنابراین می‌توان با تغییر در نگرش‌های افراد در رفتار و عادات آنها نیز تغییراتی ایجاد کرد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود رسانه‌های ارتباط‌جمعی نظیر صداوسیما نقش سازنده‌تری در برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، تولیدات هنری و غیره در دانش‌افزایی و معرفت‌افزایی زوجین در راستای ارتقای مهارت‌های زندگی و بهداشت روانی آنها، آموزش مهارت‌های زوج‌درمانی مثبت‌نگر و آموزش‌های همگانی در خصوص مدیریت مطلوب‌تر و استفاده بهینه و مثبت از شبکه‌های اجتماعی مجازی، ایفا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود در کنار پرداختن به متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی به متغیرهای روانشناختی افراد توجه ویژه شود و نقش این متغیر در درمان تعارضات و مشکلات زناشویی زوجین، تقویت روابط و تعاملات آنها و بهبود سبک‌های دل‌بستگی مهم در نظر گرفته شود.

نظر به اینکه یافته‌های پژوهش حاضر، شناختی جامع از علل گرایش به این معضل اجتماعی را نشان داد، لذا نتایج برآمده از این پژوهش در راستای برنامه‌ریزی برای پیشگیری، کاهش و رفع عوامل سوق‌دهنده آن، می‌تواند در جهت ارتقای سطح سلامت جامعه، یاری‌گر کارشناسان، مشاوران و متولیان حوزه خانواده و آسیب‌های اجتماعی باشد.

منابع

- [۱] ایدر، نبی‌الله، مردانی، مریم (۱۳۹۵). «بررسی عوامل مرتبط با گرایش مردان متأهل به روابط خارج از چارچوب زناشویی (نمونه موردی مردان متأهل شهر شیراز)». فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر سال دهم، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۱.
- [۲] احمدی، حبیب (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳] بخارایی، احمد (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران و طلاق عاطفی*، تهران: پژوهش‌های جامعه
- [۴] باومن، زیگوند (۱۳۸۴). *عشق سیال، در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- [۵] تاج‌بخش، غلامرضا، حسینی، محمدرضا و محمدمیرزایی، مریم (۱۳۹۹). «تحلیل داده بنیاد فرآیند شکل‌گیری خیانت زناشویی»، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۷۱-۵۲.
- [۶] چراغانی، مونا، ابراهیمی، مریم (۱۳۹۹). «فرض‌ها و معیارهای ایرانیان درباره ازدواج و روابط زناشویی».

- خانواده‌پژوهی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۲۹۴-۳۱۴.
- [۷] ذال، بهناز، عرب، علی، ثناگومحرر، غلامرضا (۱۳۹۹). «اثربخشی آموزش بخشایش بر نگرش به خیانت و اعتماد در روابط بین فردی زنان زخم‌خورده از خیانت زناشویی»، خانواده‌پژوهی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، صص ۴۱۳-۴۲۸.
- [۸] شرف‌الدین، حسین، صالحی‌زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵). «زمینه‌های روابط فرازنشویی در ایران»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- [۹] عجم، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «تأثیر آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم ماهواره‌ای بر تعارضات زناشویی و نگرش به خیانت زناشویی»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی، مطالعات اسلام و روان‌شناسی سال دهم، شماره ۱۸، صص ۴۵-۶۳.
- [۱۰] عنایت، حلیمه، موحد، مجید (۱۳۹۳). «زنان و تحول ساختار خانواده در عصر جهانی شدن»، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۶۶-۱۵۳.
- [۱۱] غفوریان، پریسا، اصغری ابراهیم آباد، محمدجواد، عبدخدایی، محمدسعید، کیمیایی، علی (۱۳۹۷). «نقش عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و مذهبی در روابط فرازنشویی زنان متأهل و ارائه یک مدل درمان براساس عوامل مرتبط»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۷-۴۲.
- [۱۲] فلاحیان، حسین، میکاییلی، نیلوفر، یوسفی مریدانی، متین (۱۳۹۸). «پیش‌بینی روابط فرازنشویی براساس کیفیت عشق، سبک‌های حل تعارض زوجین و تعهد زناشویی»، آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، سال پنجم، شماره ۱، صص ۵۹-۷۶.
- [۱۳] فیروزجائیان، علی‌اصغر، قدیری، حسن (۱۳۹۶). «مطالعه پدیدارشناسی دلایل بی‌وفایی زناشویی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره یازدهم، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۲۰.
- [۱۴] کاملی، محمدجواد (۱۳۸۶). «بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق»، دانش اجتماعی، دوره نهم، شماره ۳، صص ۱۷۹-۱۸۰.
- [۱۵] کمالی، سارا، عامری، فریده، خسروی، زهره، رضانی، محمدآرش (۱۳۹۷). «تجربه زیسته زنان از روابط فرازنشویی همسر: یک مطالعه پدیدارشناختی»، خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۵۳، صص ۹۵-۱۱۲.
- [۱۶] کاوه، سعید (۱۳۸۷). همسران، بی‌وفایی و خیانت، بررسی عوامل مؤثر بر شناخت ویژگی‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی‌وفایی و خیانت میان همسران، تهران: سخن.
- [۱۷] گلاسار، ویلیام (۱۳۸۹). ازدواج بدون شکست، به‌هم‌رسیدن و باهم‌ماندن، ترجمه سمیه خوش‌نیت، هدی برازنده و علی صاحبی، مشهد: محقق.
- [۱۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). تجدد و تخصص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۱۹] محمدمیرزایی، مریم (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر خیانت زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره).
- [۲۰] میکاییلی، محمداسماعیل (۱۳۸۹). «بررسی اثربخشی شیوه‌های مقابله با استرس بعد از رابطه فرازنشویی جهت افزایش رضایتمندی زن‌های در معرض آسیب مراجعه‌کننده به کلینیک پرهام و بیدار»، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی علامه طباطبایی.

- Psychology, 19:470-473.
- [22] Barta, W. D., & Kiene, S. M (2005). Motivations for infidelity in hetero sexual dating couples: the roles of gender, personality differences and socio sexual orientation. *journal of social and personal Relationships Inue*, Vol 22 no 3, 339-360.
- [23] Ferron, A., Lussier, Y., Sabourin, S., & Brassard, A (2017). The role of Internet pornography use and cyber infidelity in the associations between personality, attachment and couple and sexual satisfaction. *Social Networking*, 6, 1-18. Fincham, F. D., & May, R. W (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- [24] Greene, K., & Faulkner, S. L Gender (2005). belief in the sexual double standard, and sexual talk in hetero sexual dating relationships. *sexRoles: A journal of Research* 53 (3-4) 235-234.
- [25] Kvale. S and SvendBrinkmann (2009). *Interviews: Learning the Craft of Qualitative Research Interviewing*, Second Editions, Sage Publications.
- [26] Jeanfreau, M.M., Jurich, A.P. and Mong, M.D (2014). Risk Factors Associated with Woman's Marital Infidelity. *Contemporary Family Therapy Journal*. 36(3). 327-332.
- [27] Risé Lara, Ladori (2011). "coping and relation infidelity across the lifespan: the role of commitment during relational", A Dissertation in Communication Arts and Sciences", Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy
- [28] Tuttle, J. D., & Davis, S. N (2015). "Religion, Infidelity, and Divorce: Reexamining the Effect of Religious Behavior on Divorce Among Long-Married Couples". *Journal of Divorce & Remarriage*, 56(6), 475-489.
- [29] <http://dx.doi.org/10.1080/10502556.2015.1058660>.
- [30] Mark, K. P., Janssen, E. and Milhausen, R. R (2011). Infidelity in Heterosexual Couples: Demographic, Interpersonal, and Personality-Related Predictors of Extradysadic Sex". *Archives of Sexual Behavior*, 40:971-982.
- [31] Lauman, E. O Gagnon, j.H. micheal, R.T, 7 Michaels,s (1994). *The social organization of sexuality: sexual practices in the united states*. Chicago university of Chicago press.
- [32] Liu C. A (2000). Theory of Marital Sexual Life. *Journal of Marriage and Family*. 62(2):363-374
- [33] Seale,C; Giampetro, G; Jaber, F (2007). *Qualitative reaserch practice*, Sage Publications.
- [34] Wiederman, M. W & whitly, B. E, Jr (2002). *handbook for conducting research on human sexuality*. Newjersey: Lawrence Erlbaum Associates.